

باسمه تعالی

خطبه 83 نهج البلاغه (خطبه غراء)

ترجمه استاد مرحوم محمد دشتی

صفته جل شانه:

أَحْمَدُهُ عَلَى عَوَاطِفِ كَرَمِهِ وَ سَوَابِغِ نِعْمِهِ وَ أَوْمِنُ بِهِ أَوْلَا بَادِيَاً وَ اسْتَهْدِيهِ قَرِيبَاً هَادِيَاً وَ اسْتَعِينُهُ فَاهِرَاً قَادِرَاً وَ اتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَافِيَاً نَاصِرَاً وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدَاً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ لِإِنْفَازِ أَمْرِهِ وَ إِنْهَاءِ عُذْرِهِ وَ تَقْدِيمِ نُذْرِهِ.

1. شناخت صفات الهی

ستایش خداوندی را سزااست، که به قدرت، والا و برتر، و با عطا و بخشش نعمت ها به پدیده ها نزدیک است. اوست بخشنده تمام نعمت ها، و دفع کننده تمام بلاها و گرفتاری ها. او را می ستایم در برابر مهربانی ها و نعمت های فراگیرش. به او ایمان می آورم چون مبدأ هستی و آغاز کننده خلقت آشکار است. از او هدایت می طلبم چون راهنمای نزدیک است، و از او یاری می طلبم که توانا و پیروز است، و به او توکل می کنم چون تنها یاور و کفایت کننده است. و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده اوست. او را فرستاده تا فرمان های خدا را اجرا کند و بر مردم حجت را تمام کرده، آنها را در برابر اعمال ناروا بترساند.

الوصیه بالتقوی:

أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي ضَرَبَ الْأَمْثَالَ وَ وَقَّتَ لَكُمْ الْأَجَالَ وَ أَلْبَسَكُمْ الرِّيَاشَ وَ أَرْفَعَ لَكُمْ الْمَعَاشَ وَ أَحَاطَ بِكُمْ الْإِحْصَاءَ وَ أَرَصَدَ لَكُمْ الْجَزَاءَ وَ أَثْرَكُمْ بِالنِّعَمِ السَّوَابِغِ وَ الرَّفْدِ الرَّوَافِعِ وَ أَنْذَرَكُمْ بِالْحُجْبِ الْبِوَالِغِ فَأَحْصَاكُمْ عَدَدَاً وَ وَظَّفَ لَكُمْ مُدَدَاً فِي قَرَارِ خَيْرَةٍ وَ دَارِ غَيْرَةٍ أَنْتُمْ مُخْتَبَرُونَ فِيهَا وَ مُحَاسَبُونَ عَلَيْهَا.

2. سفارش به پرهیزکاری

سفارش می کنم شما بندگان خدا را به تقوای الهی، که برای بیداری شما مثل های پند آموز آورده، و سر آمد زندگانی شما را معین فرمود، و لباس های رنگارنگ بر شما پوشانده، و زندگی پر وسعت به شما بخشیده، و با حسابگری دقیق خود، بر شما مسلط است. در برابر کارهای نیکو، به شما پاداش می دهد، و با نعمت های گسترده و بخشش های بی حساب، شما را گرامی داشته است، و با اعزام پیامبران و دستورات روشن، از مخالفت با فرمانش شما را بر حذر داشته است. تعداد شما را می داند، و چند روزی جهت آزمایش و عبرت برای شما مقرر داشته، که در این دنیا آزمایش می گردید، و برابر اعمال خود محاسبه می شوید.

التنغير من الدنيا:

فَإِنَّ الدُّنْيَا رِيقٌ مَّشْرَبُهَا رَدِغٌ مَّشْرَعُهَا يُؤْنِقُ مَنْظَرُهَا وَيُؤْبِقُ مَخْبَرُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَضَوْءٌ آفِلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ حَتَّى إِذَا
أَنَسَ نَافِرُهَا وَاطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا وَقَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا وَأَقْصَدَتْ بِأَسْهُمِهَا وَأَعْلَقَتْ الْمَرْءَ أَوْهَاقَ الْمَنِيَّةِ قَائِدُهُ لَهُ إِلَى
ضَنْكِ الْمَضْجَعِ وَوَحْشَةِ الْمَرْجِعِ وَمُعَايِنَةِ الْمَحَلِّ وَتَوَابِ الْعَمَلِ. وَكَذَلِكَ الْخَلْفُ بِعَقْبِ السَّلْفِ لَا تَقْلَعُ الْمَنِيَّةُ اخْتِرَامًا وَلَا
يَرْعَوِي الْبَاقُونَ اجْتِرَامًا يَخْتَدُونَ مِثَالًا وَيَمْضُونَ أَرْسَالًا إِلَى غَايَةِ الْإِنْتِهَاءِ وَصَيُورِ الْفَنَاءِ.

3. دنیا شناسی

آب دنیای حرام همواره تیره، و گل آلود است. منظره ای دل فریب و سرانجامی خطرناک دارد. فریبنده و زیباست اما دوامی ندارد. نوری است در حال غروب کردن، سایه ای است نابود شدنی، ستونی است در حال خراب شدن، آن هنگام که نفرت دارندگان به آن دل بستند و بیگانگان به آن اطمینان کردند، چونان اسب چموش پاها را بلند کرده، سوار را بر زمین می کوبد، و بادام های خود آنها را گرفتار می کند، و تیرهای خود را به سوی آنان، پرتاب می نماید، طناب مرگ به گردن انسان می افکند، به سوی گور تنگ و جایگاه وحشتناک می کشاند تا در قبر، محل زندگی خویش، بهشت یا دوزخ را بنگرد، و پاداش اعمال خود را مشاهده کند. و همچنان آیندگان به دنبال رفتگان خود گام می نهند، نه مرگ از نابودی انسان دست می کشد و نه مردم از گناه فاصله می گیرند که تا پایان زندگی و سر منزل فنا و نیستی آزادانه به پیش می تازند.

بعد الموت، البعث:

حَتَّى إِذَا تَصَرَّمَتِ الْأُمُورُ وَتَقَضَّتِ الدُّهُورُ وَآزَفَ النُّشُورُ أَخْرَجَهُمْ مِنْ ضَرَائِحِ الْقُبُورِ وَأَوْكَارِ الطُّيُورِ وَأَوْجَرَةَ السَّبَاعِ وَمَطَارِحِ الْمَهَالِكِ سِرَاعًا إِلَى أَمْرِهِ مُهْطِعِينَ إِلَى مَعَادِهِ رَعِيلًا صُمُوتًا قِيَامًا صُفُوفًا يَنْفُدُهُمُ الْبَصَرُ وَيُسْمِعُهُمُ الدَّاعِيَ عَلَيْهِمْ
لَبُوسِ الْإِسْتِكَانَةِ وَضُرْعِ الْإِسْتِسْلَامِ وَالذَّلَّةِ قَدْ ضَلَّتِ الْحَيْلُ وَانْقَطَعَ الْأَمَلُ وَهَوَتْ الْأَفئِدَةُ كَاطْمَةً وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ مُهَيِّمَةً
وَالْجَمَّ الْعَرَقُ وَعَظُمَ الشَّفَقُ وَأُرْعِدَتِ الْأَسْمَاعُ لِزُبْرَةِ الدَّاعِيَ إِلَى فَصْلِ الْخِطَابِ وَمُقَايَصَةِ الْجَزَاءِ وَنِكَالِ الْعِقَابِ وَنَوَالِ
التَّوَابِ.

4. وصف رستاخیز

تا آنجا که امور زندگانی پیاپی بگذرد، و روزگاران سپری شود، و رستاخیز بر پا گردد، در آن زمان، انسانها را از شکاف گورها، و لانه های پرندگان، و خانه درندگان، و میدان های جنگ، بیرون می آورد که با شتاب به سوی فرمان پروردگار می روند، و به صورت دسته هایی خاموش، وصف های آرام و ایستاده حاضر می شوند، چشم بیننده خدا آنها را می نگرد، و صدای فرشتگان به گوش آنها می رسد. لباس نیاز و فروتنی پوشیده درهای حیل و فریب بسته شده و آرزوها قطع گردیده است. دل ها آرام، صداها آهسته، عرق از گونه ها چنان جاری است که امکان حرف زدن نمی باشد، اضطراب و وحشت همه را فرا گرفته، بانگی رعد آسا و گوش خراش، همه را لرزانده، به سوی پیشگاه عدالت، برای دریافت کیفر و پاداش می کشاند.

تنبیه الخلق:

عِبَادَ مَخْلُوقُونَ اِقْتِدَاراً وَ مَرْبُوبُونَ اِقْتِسَاراً وَ مَقْبُوضُونَ اِحْتِضَاراً وَ [مُضْمَنُونَ] مُضْمَنُونَ اَجْدَاناً وَ كَائِنُونَ رُقَاتاً وَ مَبْعُوثُونَ اَفْرَاداً وَ مَدِينُونَ جَزَاءً وَ مُمَيِّزُونَ حِسَاباً قَدْ اُمِّهَلُوا فِي طَلَبِ الْمَخْرَجِ وَ هَدُّوا سَبِيلَ الْمَنْهَجِ وَ عَمَّرُوا مَهْلَ الْمُسْتَعْتَبِ وَ كَشَفَتْ عَنْهُمْ سُدْفَ الرِّيبِ وَ خَلُّوا لِمِضْمَارِ الْجِيَادِ وَ رَوِيَهُ الْاِرْتِيَادِ وَ اَنَاهُ الْمُقْتَبِسِ الْمُرْتَادِ فِي مَدَّةِ الْاَجْلِ وَ مُضْطَرَبِ الْمَهْلِ.

5. وصف احوال بندگان خدا

بندگان گانی که با دست قدرتمند خدا آفریده شدند، و بی اراده خویش پدید آمده، پرورش یافتند، سپس در گهواره گور آرمیده متلاشی می گردند. و روزی به تنهایی سر از قبر بر می آورند، و برای گرفتن پاداش به دقت حساب رسی می گردند.

در این چند روزه دنیا مهلت داده شدند تا در راه صحیح قدم بر دارند، راه نجات نشان داده شده تا رضایت خدا را بجویند، تاریکی های شک و تردید از آنها برداشته شد، و آنها را آزاد گذاشته اند تا برای مسابقه در نیکوکاری ها، خود را آماده سازند، تا فکر و اندیشه خود را به کار گیرند و در شناخت نور الهی در زندگانی دنیا تلاش کنند.

فضل التذکیر:

فَيَا لَهَا اَمْثَالاً صَائِبَةً وَ مَوَاعِظَ شَافِيَةً لَوْ صَادَقَتْ قُلُوباً زَاكِيَةً وَ اَسْمَاعاً وَاَعْيَةً وَ آرَاءَ عَازِمَةً وَ اَلْبَابَ حَازِمَةً فَاتَّقُوا اللّٰهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخَشَعَ وَ اِقْتَرَفَ فَاعْتَرَفَ وَ وَجَلَ فَعَمِلَ وَ حَازَرَ فَبَادَرَ وَ اَيَقَنَ فَاحْسَنَ وَ عَبَّرَ فَاعْتَبَرَ وَ حُدِّرَ فَحَدَّرَ وَ زَجَرَ فَازْدَجَرَ وَ اَجَابَ فَاَنَابَ وَ رَاجَعَ فَتَابَ وَ اِقْتَدَى فَاحْتَدَى وَ اُرِيَ فَرَأَى فَاسْرَعَ طَالِباً وَ نَجَا هَارِباً فَافَادَ ذَخِيرَةً وَ اطَابَ سَرِيرَةً وَ عَمَّرَ مَعَاداً وَ اسْتَظْهَرَ زَاداً لِيَوْمِ رَحِيلِهِ وَ وَجَهَ سَبِيلَهُ وَ حَالَ حَاجَتِهِ وَ مَوْطِنَ فِاقَتِهِ وَ قَدَّمَ اِمَامَةً لِدَارِ مِقَامِهِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ عِبَادَ اللّٰهِ جِهَةً مَا خَلَقَكُمْ لَهُ وَ اخَذُوا مِنْهُ كُنْهَ مَا حَذَّرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ وَ اسْتَحِقُّوا مِنْهُ مَا اَعَدَّ لَكُمْ بِالتَّجَرُّ لِبِدْقِ مِعَادِهِ وَ الْحَذَرِ مِنْ هَوْلِ مَعَادِهِ.

6. مثل های پند آموز (سمبل های تقوی)

وہ چہ مثال های بجا، و پنہای رسایی وجود دارد اگر در دل های پاک بنشیند، و در گوش های شنوا جای گیرد، و با اندیشه های مصمم و عقل های با تدبیر بر خورد کند.

پس، از خدا چونان کسی پروا کنید که سخن حق را شنید و فروتنی کرد، گناه کرد و اعتراف کرد، ترسید و به اعمال نیکو پرداخت، پرهیز کرد و پیش تاخت، یقین پیدا کرد و نیکو کار شد، پند داده شد و آن را به گوش جان خرید، او را ترسانند و نافرمانی نکرد، به او اخطار شد و به خدا روی آورد، پاسخ مثبت داد و نیایش و زاری کرد، بازگشت و توبه کرد.

در پی راهنمایان الهی رفت و پیروی کرد، راه نشان دادند و شناخت، شتابان به سوی حق حرکت کرده و از نافرمانی ها گریخت، سود طاعت را ذخیره کرد، و باطن را پاکیزه نگاه داشت، آخرت را آبادان و زاد و توشه برای روز حرکت، هنگام حاجت و جایگاه نیازمندی، آماده ساخت، و آن را برای اقامتگاه خویش، پیشاپیش فرستاد.

ای بندگان خدا برای هماهنگی با اهداف آفرینش خود، از خدا پروا کنید، و آن چنان که شما را پرهیز داد از مخالفت و نافرمانی خدا بترسید، تا استحقاق وعده های خدا را پیدا کنید، و از بیم روز قیامت بر کنار باشید.

التذکیر بضروب النعم:

جَعَلَ لَكُمْ أَسْمَاعًا لَتَعِيَ مَا عَاثَا وَ أَبْصَارًا لَتَجْلُوَ عَنْ عَشَاهَا وَ أَسْنَاءَ جَامِعَةً لِأَعْضَائِهَا مُلَائِمَةً لِأَحْنَائِهَا فِي تَرْكِيبِ صُورِهَا وَ مُدَدِ عُمُرِهَا بِأَبْدَانٍ قَانِمَةً بِأَرْفَاقِهَا وَ قُلُوبَ رَانِدَةً لِأَرْزَاقِهَا فِي مُجَلَّلَاتِ نِعْمِهِ وَ مُوجِبَاتِ مَنَنِهِ وَ حَوَاجِزِ عَافِيَتِهِ وَ قَدَرِ لَكُمْ أَعْمَارًا سَتَرَهَا عَنْكُمْ وَ خَلَّفَ لَكُمْ عَيْرًا مِنْ آثَارِ الْمَاضِينَ قَبْلَكُمْ مِنْ مُسْتَمْتَعِ خَلْقِهِمْ وَ مُسْتَفْسِحِ خَنَاقِهِمْ أَرْهَقْتَهُمُ الْمَنَايَا دُونَ الْآمَالِ وَ شَدَّبْتَهُمْ عَنْهَا تَحْرُمُ الْآجَالَ لَمْ يَمَهْدُوا فِي سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ وَ لَمْ يَعْتَبِرُوا فِي أَنْفِ الْأَوَانِ فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضَاضَةِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَائِبَ الْهَرَمِ وَ أَهْلُ غَضَارَةِ الصِّحَّةِ إِلَّا نَوَازِلَ السَّقَمِ وَ أَهْلُ مَدَّةِ الْبَقَاءِ إِلَّا آوَنَةَ الْفَنَاءِ مَعَ قُرْبِ الزِّيَالِ وَ أَرْوَفِ الْإِنْتِقَالِ وَ عَلَزِ الْفَلَقِ وَ أَلَمِ الْمَضَضِ وَ غَضَضِ الْجَرَضِ وَ تَلَفَّتِ الْإِسْتِغَاثَةُ بِنُصْرَةِ الْحَفَدَةِ وَ الْأَقْرِبَاءِ وَ الْأَعَزَّةِ وَ الْقُرْنَاءِ فَهَلْ دَفَعَتْ الْأَقْرَابُ أَوْ نَفَعَتْ النُّوَاجِبُ.

7. راه های پند پذیری (راههای شناخت)

خدا گوش هایی برای پند گرفتن از شنیدنی ها، و چشم هایی برای کنار زدن تاریکی ها، به شما بخشیده است، و هر عضوی از بدن را اجزاء متناسب و هماهنگ عطا فرموده تا در ترکیب ظاهری صورت ها و دوران عمر با هم سازگار باشند، با بدن هایی که منافع خود را تأمین می کنند، و قلب هایی که روزی را به سراسر بدن با فشار می رسانند، و از نعمت های شکوهمند خدا برخوردارند، و در برابر نعمت ها شکر گزارند، و از سلامت خدادادی بهره مندند.

مدت زندگی هر یک از شماها را مقدر فرمود، و از شما پوشیده داشت، و از آثار گذشتگان عبرت های پند آموز برای شما ذخیره کرد، لذت هایی که از دنیا چشیدند، و خوشی ها و زندگی راحتی که پیش از مرگ داشتند، سرانجام دست مرگ گریبان آنها را گرفت و میان آنها و آرزوهایشان جدایی افکند: آنها که در روز سلامت چیزی برای خود ذخیره نکردند، و در روز گاران خوش زندگی عبرت نگرفتند.

آیا خوشی های جوانی را جز ناتوانی پیری در انتظار است و آیا سلامت و تندرستی را جز حوادث بلا و بیماری در راه است و آیا آنان که زنده اند جز فنا و نیستی را انتظار دارند؟ با اینکه هنگام جدایی و تپش دل ها نزدیک است که سوزش درد را چشیده، و شربت غصه را نوشیده، و فریاد یاری خواستن برداشته، و از فرزندان و خویشاوندان خود، در خواست کمک کرده است. آیا خویشاوندان می توانند مرگ را از او دفع کنند و آیا گریه و زاری آنها نفعی برای او دارد.

وَ قَدْ غُوِدِرَ فِي مَحَلَّةِ الْأَمْوَاتِ رَهِينًا وَ فِي ضَيْقِ الْمَضْجَعِ وَحِيدًا قَدْ هَتَكَتِ الْهَوَامُ جِلْدَتَهُ وَ أَبْلَتِ النُّوَاحِكُ جِدَّتَهُ وَ عَفَتِ الْعَوَاصِفُ آثَارَهُ وَ مَحَا الْحَدَثَانَ مَعَالِمَهُ وَ صَارَتْ الْأَجْسَادُ شَجَبَةً بَعْدَ بَصَّتِهَا وَ الْعِظَامُ نَخْرَةً بَعْدَ قُوَّتِهَا وَ الْأَرْوَاحُ مُرْتَهَنَةً بِثَقَلِ أَعْبَانِهَا مُوقِفَةً بِغَيْبِ أَنْبَائِهَا لَا تُسْتَزَادُ مِنْ صَالِحِ عَمَلِهَا وَ لَا تُسْتَعْتَبُ مِنْ سَيِّئِ زَلِيلِهَا أَوْ لَسْتُمْ أَنْبَاءَ الْقَوْمِ وَ الْأَبَاءِ وَ إِخْوَانِهِمْ وَ الْأَقْرِبَاءِ تَحْتَدُونَ أَمْثَلْتَهُمْ وَ تَرَكِبُونَ قِدَّتَهُمْ وَ تَطْتُونَ جَادَتَهُمْ فَالْقُلُوبُ قَاسِيَةٌ عَنْ حَظِّهَا لَاهِيَةٌ عَنْ رُشْدِهَا سَالِكَةٌ فِي غَيْرِ

مِضْمَارَهَا كَأَنَّ الْمَعْنَى سِوَاهَا وَكَأَنَّ الرَّشْدَ فِي إِحْرَازِ دُنْيَاهَا. وَاعْلَمُوا أَنَّ مَجَازَكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ وَمَزَالِقِ دَخْضِهِ وَأَهَاوِيلِ زَلِيلِهِ وَتَارَاتِ أَهْوَالِهِ.

8. عبرت از مرگ:

او را در سرزمین مردگان می گذارند، و در تنگنای قبر تنها خواهد ماند. حشرات درون زمین، پوستش را می شکافند، و خشت و خاک گور بدن او را می پوساند، تند بادهای سخت آثار او را نابود می کند، و گذشت شب و روز، نشانه های او را از میان بر می دارد، بدن ها پس از آن همه طراوت متلاشی می گردند، و استخوان ها بعد از آن همه سختی و مقاومت، پوسیده می شوند.

و ارواح در گرو سنگینی بار گناهانند، و در آنجاست که به اسرار پنهان یقین می کنند، اما نه بر اعمال درستشان چیزی اضافه می شود و نه از اعمال زشت می توانند توبه کنند.

آیا شما فرزندان و پدران و خویشاوندان همان مردم نیستید که بر جای پای آنها قدم گذاشته اید و از راهی که رفتند می روید و روش آنها را دنبال می کنید اما افسوس که دلها سخت شده، پند نمی پذیرد، و از رشد و کمال باز مانده، و راهی که نباید برود می رود، گویا آنها هدف پندها و اندرزا نیستند و نجات و رستگاری را در به دست آوردن دنیا می دانند. بدانید که باید از صراط عبور کنید، گذرگاهی که عبور کردن از آن خطرناک است، با لغزش های پرت کننده، و پرتگاه های وحشت زاء، و ترس های پیاپی.

فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَغَلَ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ وَانصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَاسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ نَوْمِهِ وَأَطْمَأ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ وَظَلَفَ الزُّهُدُ شَهْوَاتِهِ وَأَوْجَفَ الذُّكْرُ بِلِسَانِهِ وَقَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ وَتَكَبَّ الْمَخَالِجُ عَنْ وَضْحِ السَّبِيلِ وَسَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ إِلَى النَّهْجِ الْمَطْلُوبِ وَكَمْ تَفْتَلُهُ فَاتِنَاتُ الْغُرُورِ وَكَمْ تَعْمُ عَلَيْهِ مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ ظَافِرًا بِفِرْحَةِ الْبُشْرَى وَرَاحَةِ النُّعْمَى فِي أَنْعَمِ نَوْمِهِ وَآمَنَ يَوْمِهِ وَقَدْ عَبَّرَ مَعْبَرِ الْعَاجِلَةِ حَمِيدًا وَقَدَّمَ زَادَ الْأَجَلَةِ سَعِيدًا وَبَادَرَ مِنْ وَجَلٍ وَأَكْمَشَ فِي مَهَلٍ وَرَغِبَ فِي طَلَبٍ وَذَهَبَ عَنْ هَرْبٍ وَرَاقَبَ فِي يَوْمِهِ عَدُوَّهُ وَنَظَرَ قُدَمًا أَمَامَهُ فَكَفَى بِالْجَنَّةِ ثَوَابًا وَنَوَالًا وَكَفَى بِالنَّارِ عِقَابًا وَوَبَالَ وَكَفَى بِاللَّهِ مُنْتَقِمًا وَنَصِيرًا وَكَفَى بِالْكِتَابِ حَجِيحًا وَخَصِيمًا.

9. معرفی الگوی پرهیزگاری:

از خدا چون خردمندان بترسید که دل را به تفکر مشغول داشته، و ترس از خدا بدنش را فرا گرفته، و شب زنده داری خواب از چشم او ربوده، و به امید ثواب، گرمی روز را با تشنگی گذارنده، با پارسایی شهوات را کشته، و نام خدا زبانش را همواره به حرکت در آورده.

ترس از خدا را برای ایمن ماندن در قیامت پیش فرستاده، از تمام راه های جز راه حق چشم پوشیده، و بهترین راهی که انسان را به حق می رساند می پیماید.

چیزی او را مغرور نساخته، و مشکلات و شبهات او را ناینی نمی سازد، مزده بهشت، و زندگی کردن در آسایش و نعمت سرای جاویدان و ایمن ترین روزها، او را خشنود ساخته است. با بهترین روش از گذرگاه دنیا عبور کرده، توشه آخرت را پیش فرستاده، و از ترس قیامت در انجام اعمال صالح پیش قدم شده است، ایام زندگی را با شتاب در اطاعت پروردگار گذرانده، و در فراهم آوردن خشنودی خدا با رغبت تلاش کرده، از زشتی ها فرار کرده، امروز رعایت

زندگی فردا کرده، و هم اکنون آینده خود را دیده است.

پس بهشت برای پادشاه نیکوکاران سزاوار و جهنم برای کیفر بدکاران مناسب است، و خدا برای انتقام گرفتن از ستمگران کفایت می کند، و قرآن برای حجت آوردن و دشمنی کردن، کافی است.

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي آغَذَرِ بِمَا أَنْذَرَ وَاحْتَجَّ بِمَا نَهَجَ وَحَذَرَ كُمْ عَدُوًّا نَفَذَ فِي الصُّدُورِ خَفِيًّا وَنَفَثَ فِي الْأَذَانِ نَجِيًّا فَأَصْلٌ وَآرْدَى وَوَعَدَ فَمَنَّى وَزَيْنَ سَيِّئَاتِ الْجَرَائِمِ وَهُوَ نَ مُؤَبِّقَاتِ الْعَطَائِمِ حَتَّى إِذَا اسْتَدْرَجَ قَرِينَتَهُ وَاسْتَعْلَقَ رَهِينَتَهُ أَنْكَرَ مَا زَيْنَ وَاسْتَعْظَمَ مَا هُوَ وَحَذَرَ مَا أَمَّنَ.

10. هشدار از دشمنی شیطان:

سفارش می کنم شما را به پروا داشتن از خدا، خدایی که با ترساندن های مکرر، راه عذر را بر شما بست، و با دلیل و برهان روشن، حجت را تمام کرد، و شما را پرهیز داد از دشمنی شیطانی که پنهان در سینه ها راه می یابد، و آهسته در گوش ها راز می گوید، گمراه و پست است، وعده های دروغین داده، در آرزوی آنها به انتظار می گذارد، زشتی های گناهان را زینت می دهد، گناهان بزرگ را کوچک می شمارد، و آرام آرام دوستان خود را فریب داده، راه رستگاری را بر روی در بند شدگان می بندد، و در روز قیامت آنچه را که زینت داده انکار می کند، و آنچه را که آسان کرده، بزرگ می شمارد، و از آنچه که پیروان خود را ایمن داشته بود سخت می ترساند.

و منها فی صفة خلق الإنسان:

أَمْ هَذَا الَّذِي أَنشأهُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ وَشُغِفِ الْأَسْتَارِ نُطْفَةً دِهَاقًا وَ عَلَقَةً مِخَاقًا وَ جَنِينًا وَ رَاضِعًا وَ وِلِيدًا وَ يَافِعًا ثُمَّ مَنَحَهُ قَلْبًا حَافِظًا وَ لِسَانًا لَافِظًا وَ بَصَرًا لَاحِظًا لِيَفْهَمَ مُعْتَبِرًا وَ يُقْصِرَ مُرْدَجِرًا حَتَّى إِذَا قَامَ اعْتِدَالُهُ وَ اسْتَوَى مِثَالُهُ نَفَرَ مُسْتَكْبِرًا وَ خَبِطَ سَادِرًا مَا تَحَا فِي غَرْبِ هَوَاهُ كَادِحًا سَعِيًّا لِدُنْيَاهُ فِي لَدَاتِ طَرَبِهِ وَ بَدَوَاتِ أَرَبِهِ ثُمَّ لَا يَحْتَسِبُ رَزِيَّةً وَ لَا يَخْشَعُ تَقِيَّةً فَمَاتَ فِي فِتْنَتِهِ غَرِيرًا وَ عَاشَ فِي هَفْوَتِهِ يَسِيرًا لَمْ يُفِدْ عَوْضًا وَ لَمْ يَقْضِ مُفْتَرَضًا.

11. شگفتی های آفرینش انسان:

مگر انسان، همان نطفه و خون نیم بند نیست که خدا او را در تاریکی های رحم و خلاف های تو در تو، پدید آورد تا به صورت چنین در آمد، سپس کودکی شیرخوار شد، بزرگتر و بزرگتر شده تا نوجوانی رسیده گردید، سپس او را دلی فراگیر، و زبانی گویا، و چشمی بینا عطا فرمود تا عبرت ها را درک کند، و از بدی ها پرهیزد، و آنگاه که جوانی در حد کمال رسید، و بر پای خویش استوار ماند، گردن کشی آغاز کرد، و روی از خدا گرداند، و در بیراهه گام نهاد، در هوا پرستی غرق شد، و برای به دست آوردن لذت های دنیا تلاش فراوان کرد، و سرمست شادمانی دنیا شد. هرگز نمی پندارد مصیبتی پیش آید و بر اساس تقوی فروتنی ندارد، ناگهان سرمست و مغرور در این آزمایش چند روزه، مرگ او را می رباید، او را که در دل بد بختی ها، اندکی زندگی کرده، و آنچه را که از دست داده عوضی به دست نیاورده است، و آنچه از واجبات را که ترک کرد، قضایش را بجا نیاورد.

دَهْمَتُهُ فَجَعَاتُ الْمَيِّتَةِ فِي غُبْرِ جَمَاحِهِ وَ سَنَنِ مِرَاحِهِ فَظَلَّ سَادِرًا وَ بَاتَ سَاهِرًا فِي غَمَرَاتِ الْآلَامِ وَ طَوَارِقِ الْأَوْجَاعِ وَ الْأَسْقَامِ
 بَيْنَ أَخِ شَقِيقٍ وَ وَالِدِ شَفِيقٍ وَ دَاعِيَةٍ بِالْوَيْلِ جَزَعًا وَ لَادِمَةٍ لِلصَّدْرِ قَلَقًا وَ الْمَرْءِ فِي سَكْرَةٍ مُلْهِتَةٍ وَ غَمْرَةٍ كَارِثَةٍ وَ أَنَّهُ مُوجِعُهُ وَ
 جَذْبُهُ مُكْرِبُهُ وَ سَوْفَهُ مُتَعَبُهُ. ثُمَّ أَدْرَجَ فِي أَكْفَانِهِ مُبْلِسًا وَ جَذِبَ مُنْقَادًا سَلِسًا ثُمَّ أَلْقَى عَلَى الْأَعْوَادِ رَجِيعَ وَصَبٍ وَ نِضْوَ سَقَمٍ
 تَحْمِلُهُ حَفْدَةُ الْوَلْدَانِ وَ حَشْدَةُ الْأَخْوَانِ إِلَى دَارِ غُرْبَتِهِ وَ مُنْقَطِعِ زَوْرَتِهِ وَ مُفْرَدِ وَحْشَتِهِ حَتَّى إِذَا أَنْصَرَفَ الْمُشِيعُ وَ رَجَعَ
 الْمُتَفَجِّعُ أُقْعِدَ فِي حُفْرَتِهِ نَجِيًّا لِبَهْتِهِ السُّؤَالَ وَ عَثْرَةَ الْأَمْتِحَانِ وَ أَعْظَمَ مَا هُنَالِكَ بَلِيَّةَ نُزُولِ الْحَمِيمِ وَ تَصْلِيَةَ الْجَجِيمِ وَ فَوْرَاتِ
 السَّعِيرِ وَ سَوْرَاتِ الزَّفِيرِ لَا فِتْرَةَ مَرِيحَةٍ وَ لَا دَعَةَ مَزِيحَةٍ وَ لَا قُوَّةَ حَاجِزَةٍ وَ لَا مَوْتَةَ نَاجِزَةٍ وَ لَا سِنَّةَ مُسَلِّيَةٍ بَيْنَ أَطْوَارِ الْمَوْتَاتِ وَ
 عَذَابِ السَّاعَاتِ إِنَّا بِاللَّهِ عَائِدُونَ.

12. عبرت از مرگ:

درد مرگ او را فراگرفت، روزها در حیرت و سرگردانی، و شب‌ها با بیداری و نگرانی می‌گذرانند. هر روز به سختی
 درد می‌کشد، و هر شب رنج و بیماری به سراغش می‌رود، در میان برادری غم‌خوار، و پدری مهربان و ناله‌کننده‌ای
 بی‌طاقت و بر سینه‌کوبنده‌ای گریان افتاده است.

اما او در حالت بیهوشی و سكرات مرگ، و غم و اندوه بسیار، و ناله‌دردناک، و درد جان‌کندن، با انتظاری رنج‌آور،
 دست‌به‌گریبان است. در حالی که تسلیم و آرام است، بر می‌دارند، و بر تابوت می‌گذارند. خسته و لاغر به سفر آخرت
 می‌رود، که فرزندان و برادران او را به دوش کشیده تا سر منزل غربت، آنجا که دیگر او را نمی‌بینند، و آنجا که
 جایگاه وحشت است، پیش می‌برند. اما هنگامی که تشییع‌کنندگان بروند و مصیبت‌زندگان باز گردند، در گودال قبر
 نشانده، برای پرستش حیرت‌آور، و امتحان لغزش‌زا، زمزمه غم‌آلود دارد.

و بزرگ‌ترین بلاي آنجا، فرود آمدن در آتش سوزان دوزخ و بر افروختگی شعله‌ها و نعره‌های آتش است، که نه
 یک لحظه آرام‌گیر تا استراحت کند، و نه آرامشی وجود دارد که از درد او بکاهد، و نه قدرتی که مانع کیفر او شود،
 نه مرگی که او را از این همه ناراحتی برهاند، و نه خوابی که اندوهش را بر طرف سازد، در میان انواع مرگ‌ها و ساعت
 ها مجازات‌گوناگون گرفتار است. به خدا پناه می‌بریم.

عِبَادَ اللَّهِ أَيْنَ الَّذِينَ عَمَّرُوا فَعَمُّوا وَ عُلِّمُوا فَفَهَّمُوا وَ أَنْظَرُوا فَفَلَّهُوا وَ سَلَّمُوا فَسَلَّمُوا أَمْهَلُوا طَوِيلًا وَ مَنَحُوا جَمِيلًا وَ حَذَّرُوا أَلِيمًا
 وَ وَعَدُوا جَسِيمًا اخذروا الذُّنُوبَ الْمَوْرَظَةَ وَ الْعُيُوبَ الْمُسَخَّطَةَ أُولَى الْأَبْصَارِ وَ الْأَسْمَاعِ وَ الْعَاقِبَةِ وَ الْمَتَاعِ هَلْ مِنْ مَنَاصٍ أَوْ
 خَلَّاصٍ أَوْ مَعَاذٍ أَوْ مَلَاذٍ أَوْ فِرَارٍ أَوْ مَحَارٍ أَمْ لَأ، فَأَنَّى تُؤَفِّكُونَ أَمْ أَيْنَ تُصْرَفُونَ أَمْ بِمَا ذَا تَعْتَرُونَ وَ إِنَّمَا حَظُّ أَحَدِكُمْ مِنَ
 الْأَرْضِ ذَاتِ الطُّولِ وَ الْعَرْضِ قَيْدُ قَدِّهِ [مُنْعَفِرًا] مُتَعَفِّرًا عَلَى خَدِّهِ الْآنَ عِبَادَ اللَّهِ وَ الْخِنَاقُ مُهْمَلٌ وَ الرُّوحُ مُرْسَلٌ فِي قَيْتِهِ
 الْإِرْشَادِ وَ رَاحَةَ الْأَجْسَادِ وَ بَاحَةَ الْإِحْتِشَادِ وَ مَهْلَ الْبَقِيَّةِ وَ أَنْفِ الْمَشِيَّةِ وَ إِنْظَارِ التَّوْبَةِ وَ أَنْفِسَاحِ الْحَوْبَةِ قَبْلَ الضَّنْكِ وَ الْمَضِيْقِ
 وَ الرُّوعِ وَ الزُّهُوقِ وَ قَبْلَ قُدُومِ الْغَائِبِ الْمُنْتَظَرِ وَ إِخْذَةِ الْعَزِيزِ الْمُقْتَدِرِ.

[قال الشريف و في الخبر أنه (عليه السلام) لما خطب بهذه الخطبة اقتصرت لها الجلود و بكت العيون و رجفت القلوب و
 من الناس من يُسمي هذه الخطبة الغراء].

13. پند آموزی از گذشتگان:

ای بندگان خدا کجا هستند آنان که سالیان طولانی در نعمت‌های خدا عمر گذرانند تعلیمشان دادند و دریافتند،

مهلتشان دادند و بیهوده روزگار گذراندند از آفات و بلاها دورشان داشتند اما فراموش کردند، زمانی طولانی آنها را مهلت دادند، نعمت های فراوان بخشیدند، از عذاب دردناک پرهیزشان دادند، و وعده هایی بزرگ از بهشت جاویدان به آنها دادند.

ای مردم از گناهی که شما را به هلاکت افکند، از عیب هایی که خشم خدا را در پی دارد، پرهیزید. دارندگان چشمهای بینا، و گوش های شنوا، و سلامت و کالای دنیا آیا گریزگاهی هست یا رهایی و جای امنی، پناهگاهی و جای فراری هست آیا باز گشتی برای جبران وجود دارد نه چنین است پس کی باز می گردید به کدام سو می روید و به چه چیز مغرور می شوید؟ همانا بهره هر کدام از شما زمین به اندازه طول و عرض قامت شماست، آنگونه که خاک آلوده بر آن خفته باشد.

ای بندگان خدا هم اکنون به اعمال نیکو پردازید، تا ریسمان های مرگ بر گلوی شما سخت نشده، و روح شما برای کسب کمالات آزاد است، و بدن ها راحت، و در حالتی قرار دارید که می توانید مشکلات یکدیگر را حل کنید. هنوز مهلت دارید، و جای تصمیم و توبه و باز گشت از گناه باقی مانده است. عمل کنید پیش از آن که در شدت تنگنای وحشت و ترس و نابودی قرار گیرید، پیش از آن که مرگ در انتظار مانده، فرا رسد، و دست قدرتمند خدای توانا شما را برگیرد.

(سید رضی می گوید: وقتی که امام این خطبه را ایراد فرمود، بدنها به لرزه در آمد، اشکها سرازیر و دل ها ترسان شد، که جمعی آن را غرأ نامیدند).